[افق حوزه](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/6435)، [8 آبان 1387 - شماره 205](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/6435/6864/0)

**آیة الله حسینی میانجی در گفت وگو با افق حوزه:**

**انجام کار انبیا مستلزم هجرت، استقامت و صبر در برابر ناملایمات است.**

|  |
| --- |
| 27 سال حضور با برکت در جایگاه نمایندگی ولی فقیه در استان لرستان و امامت جمعه شهرستان خرم آباد، آیة الله سیدکاظم حسینی میانجی را دارای تجربیات گرانسگی کرده است که شنیدن گوشه هایی گرچه اندک، از خاطرات و تجارب ارزنده ایشان، قطعا برای طلاب و فضلای جوان شیرین و راه گشا خواهد بود. بدین منظور در این شماره همراه با شما خوانندگان ارجمند از نظرات این عالم مجاهد بهره مند می شویم.  **- با تشکر از فرصتی که به این گفت وگو اختصاص دادید، لطفا توضیح مختصری در مورد زندگی و تحصیلات خود بفرمایید.**  بنده سال 1311 ه.ش در روستایی از توابع شهرستان میانه متولد شدم. در سه سالگی مادر و در هفت سالگی پدرم، آقا میرحسن را از دست دادم و پس از آن تحت سرپرستی دائی خود، ثقةالاسلام شیخ حسینعلی احمدیره قرار گرفتم. با توجه به این که قرائت قرآن کریم را در زمان حیات پدر آموزش دیده بودم، نزد دائی، کتاب هایی نظیر بوستان و گلستان سعدی را فرا گرفتم. پس از گذشت دو سال، با صلاحدید دائی و عموهایم، به میانه نقل مکان کردم و در منزل حضرت حجة الاسلام شیخ ابومحمد حجتیره سکنی گزیدم و بعد از یکسال و نیم نیز، در یکی از حجره های مسجد جامع شهر مستقر شدم.  **- در چه سالی به شهر مقدس قم عزیمت کردید؟**  در دومین سالی که از اقامت حضرت آیةالله العظمی بروجردی قدس سره در قم می گذشت، اینجانب به همراه پسر دائی خود، حضرت آیة الله احمدی میانجی به حوزه علمیه قم رهسپار و در یکی از حجره های مدرسه دارالشفاء ساکن شدم، ولی به دلیل کثرت رفت و آمد طلاب میانه به حجره ما و ایجاد مشکلات در مطالعه دروس، بالاجبار اتاقی را در خیابان خاکفرج اجاره و به آنجا نقل مکان کردم. گذران زندگی برای امثال بنده و طلاب دیگری که تمکن مالی نداشتند و شهریه کمی دریافت می کردند، بسیار سخت و ناراحت کننده بود. در سال هایی که ماه مبارکرمضان در فصل تابستان واقع شده بود و بنده در مشهد به سر می بردم، یک عدد نان سنگک می گرفتم، نیمی از آن را برای افطار و نیم دیگر را برای سحر استفاده می کردم، از این رو به طلابی که امروزه در حال تحصیل هستند، عرض می کنم باید قدردان امکانات حوزه ها و عنایات مراجع عظام باشند که این آسایش در پرتو انقلاب اسلامی فراهم گردیده است.  **- در دوران تحصیل، به تبلیغ هم اشتغال داشتید؟**  بله، در اواخر حیات مبارکحضرت آیةالله العظمی بروجردی قدس سره به پیشنهاد حضرت آیة الله بهاءالدینی قدس سره به مدت 18 سال در ماه های رمضان و دهه اول محرم در یکی از روستاهای اطراف قم منبر می رفتم و با مساعدت آیةالله العظمی بهاءالدینی قدس سره موفق به ساخت مسجد و یک سری اماکن عام المنفعه برای مردم شدم. ناگفته نماند، قبل از بنده، آیةالله العظمی بهاءالدینی به مدت 23 سال، به طور مرتب در ماه مبارکرمضان و محرم برای تبلیغ به این روستا می رفتند، که ایشان در ابتدا با ناملایمات و بی مهری های برخی مردم مواجه بودند، به طوری که تقریبا 4 مرد و 3 زن در مراسم سخنرانی و اقامه نماز ایشان حاضر می شدند. برخورد برخی مردم در ایام تبلیغی ایشان طوری بود که بین خودشان می گفتند این سید دیگر به اینجا نخواهد آمد و این دفعه اولین و آخرین مرتبه است، ولی با تعجب تمام در اول ماه رمضان سال بعد دیدند باز هم ایشان آمدند، با خود گفتند، سید حتما فکر می کند حالا که ماه محرم چیزی به ایشان ندادند حتما ماه مبارکرمضان جبران می شود، ولی حضرت آیة الله بهاءالدینی بعد از این که نماز عیدفطر را در بیرون آبادی اقامه می کند از همان جا به قم برمی گردد. برخی از مردم خیال می کردند این دفعه که سید دست خالی برگشته دیگر به اینجا نخواهد آمد، اما آیةالله العظمی بهاءالدینی برخلاف تصور آنان، مرتب به مدت 23 سال به آنجا می رود و مردم هم هر سال بیشتر جذب می شوند و در مراسم اقامه نماز و سخنرانی ایشان شرکت می کنند و استقبال خوبی به عمل می آورند. یکی دیگر از ثمرات تبلیغی ایشان در روستای مذکور این بود، مردمی که در زمان حکومت طاغوت حتی یک نفر به سربازی نرفته بودند، بعد از پیروزی انقلاب بسیاری از آنان به جبهه رفتند و 9 نفرشان نیز به درجه رفیع شهادت نایل آمدند. این روستا در نهایت طوری متحول شد که در بین روستاهای همجوار، به روستای امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف معروف گردید. و این درسی است که طلاب باید در تبلیغ و ارشاد مردم به این گونه مسایل توجه داشته باشند.  **- اگر از آیةالله العظمی بهاءالدینی قدس سره خاطره ای در ذهن دارید، بیان بفرمایید؟**  آیةالله العظمی بهاءالدینی قدس سره انسانی عارف و دارای سیروسلوکی خاص بود که درکشخصیت شان کار ساده ای نبود. ایشان منش و روشی هم چون جناب ابوذر علیه الرحمة داشت که کان اکثر عبادة ابی ذر رحمه اللّه التفکر والاعتبار. وقتی وارد مجلسی می شدند، با نگاهی از روی بصیرت، بواطن و اندرون افراد حاضر در مجلس را ملاحظه می کردند.  **- مهم ترین توصیه حضرت آیة الله بهاءالدینی به طلاب چه بود؟**  ایشان به طلابی که به دیدار معظم له می رسیدند، توصیه می فرمود درس ها را خوب بخوانند و از ارتکاب معصیت و گناه دوری نمایند تا در کسب علم و معارف موفق باشند.  **- حضرت آیة الله بهاءالدینی قدس سره در مورد امام خمینی قدس سره چه نظری داشتند؟**  ایشان برای حضرت امام قدس سره جایگاه هدایتی بالایی قائل بودند و در ملاقاتی که پس از پیروزی انقلاب با امام راحل داشتند، به ایشان فرموده بودند: شما کار انبیا را انجام دادید.  **- شما از چه اساتید و بزرگان علمی تلمذ نموده اید؟**  پس از اتمام دروس جامع المقدمات، سیوطی، مغنی و مطول را در محضر حضرت آیة الله ملکوتی و دروس فقهی را نزد حضرات ایات مشکینی و طباطبایی بروجردی قدس سرهما گذراندم و کفایتین را در محضر حضرت آیة الله مجاهد تبریزی تلمذ نمودم. پس از اتمام سطح، در دروس خارج فقه حضرت آیةالله العظمی حجت کوه کمری قدس سره، شرکت کردم و سالیان متمادی نیز در دروس خارج حضرات ایات عظام بروجردی، محقق داماد و امام خمینی قدس سره حاضر شدم.  **- شما با حضرت امام چگونه آشنا شدید؟**  زمانی که امام در مسجد سلماسی کفایه تدریس می کردند، اینجانب در درس ایشان حاضر می شدم و به مدت دو سال از محضر ایشان بهره های علمی فراوانی بردم. کلاس درس امام بسیار پر ازدحام و شلوغ بود، یادم هست در یکی از جلسات، یکی از علمای حاضر در درس اشکال گرفت و چون حضرت امام همیشه به دنبال کشف واقع بودند و ایرادات را می پذیرفتند، روز بعد، امام اشکال مذکور را وارد دانست و آن را پذیرفت.  **- بعد از پیروزی انقلاب، چه مسئولیت هایی از سوی حضرت امام به شما واگذار شد؟**  در سال 1359 از سوی حضرت امام به عنوان امام جمعه کاشمر تعیین شدم و پس از هشت ماه به دستور ایشان راهی آباده در استان فارس شدم و مدت نه ماه در مسئولیت امامت جمعه آن شهر انجام وظیفه نمودم. در سال 1361 نیز با معرفی چند نفر از علمای لرستان، اینجانب از سوی حضرت امام به عنوان نماینده ولی فقیه در استان لرستان و امام جمعه خرم آباد منصوب شدم و بعد از رحلت امام رضوان اللّه علیه نمایندگی اینجانب، توسط مقام معظم رهبری تمدید گردید، ولی امسال به دلیل کهولت سن، با موافقت مقام معظم رهبری از این مسئولیت استعفا دادم و به قم بازگشتم.  **- لطفا در مورد سوابق فعالیت های انقلابی خودتان بفرمایید، و اگر خاطره ویژه ای از حضرت امام در این زمینه دارید، بیان فرمایید؟**  اینجانب از طرف امام خمینی قدس سره به عنوان نماینده ایشان در میان طلاب و علمای میانه، مسئول توزیع شهریه ایشان بودم، از این رو از طرف ساواک دستگیر شدم و تحت بازجویی قرار گرفتم. هم چنین در ایام تبلیغی به یکی از نقاط تبریز رفته بودم که توسط ساواک دستگیر و زندانی شدم. یادم هست که در زندان یک سرباز از دیدن ما بسیار متأثر و گریان شده بود، وقتی علت را جویا شدم گفت: زندان جای افراد لاابالی و مجرمین است نه جای علما و سادات بزرگواری هم چون شما. از آن پس بنده از طرف حکومت طاغوت ممنوع المنبر شدم. خاطره ای که از حضرت امام دارم این است که در بازگشت از کاشمر –که به فرمان امامره هشت ماه امام جمعه آنجا بودم– عده ای از علما عنوان نمودند که گفته شده از این پس حق الزحمه ایام تبلیغی مبلغان را شخص امام پرداخت می نماید. اینجانب مطلب را به عرض امام رساندم و آقا فرمودند، خیر؛ کما فی السابق، مردم باید خودشان هزینه و حق الزحمه مبلغان دینی را تأمین کنند.  در این میان دیدم حجة الاسلام والمسلمین حسنی امام جمعه کنونی ارومیه در حالی که قطاری از فشنگ برخود بسته بود و اسلحه در دست داشت وارد شد، تا امامره وی را دید فرمود: سرباز یعنی ایشان.  **- فلسفه تأکید امام مبنی بر پرداخت حق الزحمه مبلغان دینی از سوی مردم چیست؟**  از دیدگاه امام خمینی، روحانیت و مردم باید همیشه در کنار یکدیگر باشند تا روحانیت بتواند کارایی لازم را داشته باشد. پرداخت حق الزحمه به نوعی به ارتباط عمیق بین مردم و روحانیت می انجامد.  **- لطفا چند ویژگی خاص از امام خمینی قدس سره بیان فرمایید؟**  امام قدس سره ویژگی های زیادی داشتند که وقار و متانت ایشان مثال زدنی بود. بیشتر اوقات در سکوت بودند و تا مسئله ای از ایشان پرسیده نمی شد، لب به سخن نمی گشودند. در اوایل تدریس حضرت امام در قم به این دلیل که ایشان فلسفه و حکمت درس می دادند، از محبوبیت قابل توجهی میان روحانیون برخوردار نبودند؛ زیرا در آن برهه زمانی، فلسفه جایگاه محکمی در میان علما و طلاب نداشت. به خاطر همین مسئله نیز روزی که آیةاللّه سید احمد زنجانی –که امام جماعت فیضیه بود– دیر تشریف آوردند و امام به محراب رفتند، جمع کثیری از حاضرین، از اقامه جماعت به امامت حضرت امام خودداری کردند. وقتی مرحوم آیةاللّه زنجانی از جریان مطلع شدند، به محض ورود، به امام خمینی اقتدا نمودند و این اتفاق چندین مرتبه دیگر تکرار شد تا این که امام به واسطه حمایت معنوی آیةاللّه زنجانی، به چهره ای مقبول و محبوب تبدیل شدند و درس فلسفه ایشان نیز مورد استقبال طلاب و فضلا قرار گرفت.  **- از فعالیت ها و خدمات دوران حضورتان در استان لرستان توضیحاتی بفرمایید؟**  بنده به مدت بیست وهفت سال در استان لرستان و شهرستان خرم آباد حضور داشتم و در طی این مدت فعالیت های بسیاری در زمینه های گوناگون صورت گرفت، به عنوان مثال ساخت و تجهیز بزرگ ترین مسجد در استان مسجد النبی صلی اللّه علیه وآله، گوشه ای از فعالیت های فرهنگی مستمر و پایدار آن دوره محسوب می شود.  **- علما و روحانیون استان لرستان در دوران دفاع مقدس چه نقشی ایفا کردند؟**  بسیاری از اهل علم این استان در جمع آوری کمک های مردمی نقش فعال و سازنده ای داشتند و با عزیمت به روستاها و مناطق دوردست، مردم را به اهدای وسایل ضروری جبهه ها ترغیب می نمودند و این کمک ها در قالب کاروان های متعدد به مناطق جنگی ارسال می شد. تعدادی از طلاب جوان و روحانیون باسابقه نیز هرازچندگاهی به مناطق و محورهای عملیاتی عزیمت می کردند.  **- به نظر شما، تأکیدات مقام معظم رهبری و مراجع عظام، برلزوم هجرت علما و روحانیون از قم به سایر بلاد چه دلایلی دارد؟**  یکی از دلایل لزوم هجرت، ایه شریفه ... فلولا نفر من کلّ فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین و لینذروا قومهم إ؛ذا رجعوا الیهم لعلّهم یحذرون. توبه122 بوده و دلیل دیگر حدیث شریف نبوی صلی اللّه علیه وآله: العلما ورثة الانبیا و ورثتی است. این علما هستند که با هجرت نمودن، باورهای دینی را در میان مردم تعمیق می دهند و باعث بقای دین در مردم می شوند. انجام کار انبیا مستلزم هجرت و استقامت و صبر در برابر ناملایمات، سختی ها و کمبودهاست، تا در نهایت به اجر و پاداش اخروی نائل شوند. به فرموده امام معصوم علیه السلام: عالم ینتفع بعلمه خیر من سبعین الف عابد؛ فرد عالمی که در میان مردم حاضر است و مردم از علم او بهره مند می شوند، از هفتاد هزار عابد بهتر است؛ چرا که عابد تلاش می کند که فقط خود را نجات دهد و به سعادت برسد، اما عالم و روحانی هجرت می کنند تا دیگران را از هلاکت نجات داده و به سعادت اخروی راهنمایی کنند. یادم هست زمانی در تبریز چهار مجتهد حضور داشتند، اما در حال حاضر در اکثر بلاد چنین حضوری مشاهده نمی شود.  **- به طلاب جوان جهت توفیق در کسب دانش و معارف دینی چه توصیه ای دارید؟**  اولا طلاب جوان باید قدردان دوران جوانی خود بوده و در تحصیل علم کوشا باشند، در کسب اخلاق اسلامی تلاش کنند و به آموخته های خود جامه عمل بپوشانند، چرا که بر طبق حدیث کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم طلاب باید خود را به زینت تقوای الهی مزّین کنند تا سخنان آنها در جان و دل مردم تأثیرگذار باشد. ارتباط خود را با مراکز علمی به خصوص دانشگاه ه بیشتر و مستحکم تر نمایند تا برای موفقیت بیشتر در عرصه علمی به دانش روز دست یابند. نکته دیگر این که یادگیری زبان های خارجی به ویژه زبان انگلیسی برای تأثیرگذاری طلاب و علما بر اجتماعات و امت های فرامرزی بسیار ضروری است، لذا طلاب باید برای ورود به عرصه تبلیغ در سایر ممالک، به زبان های زنده دنیا تسلط داشته باشند.  **- با توجه به شرایط اجتماعی و علمی حوزه های علمیه و کشور، به نظر جنابعالی مسئولان و مدیران حوزه های علمیه چه وظایفی جهت تعلیم و تربیت صحیح طلاب دارند؟**  مهم ترین و اصلی ترین وظیفه مسئولان و مدیران حوزه ها و مدارس علمیه، مراقبت و مواظبت همراه با نظارت برعملکرد طلاب جوان و حوزه های علمیه است. در زمان مؤسس حوزه علمیه قم، حضرت آیةالله العظمی حائری یزدی قدس سره، مدیر وقت حوزه جناب شیخ مهدی بروجردی بود که نیمه شب ها به مدرسه می آمد و همه حجره ها را بازدید می کرد و به مراقبت و مواظبت اهتمام خاصی داشت. این نوع عملکرد موجب شد از دل حوزه علمیه بزرگانی چون امام خمینی و ایات عظام گلپایگانی و معصومی همدانی قدس سرهم و ... بیرون بیایند.  **- محورهای مهم تبلیغ از دیدگاه حضرتعالی چیست؟**  تبلیغ باید در همه محورهای اخلاقی، فقهی احکام و سیاسی صورت گیرد. مبلغان دینی می بایست در بیان امور تبلیغی، از قرآن کریم بهره گیرند و نیل به اهداف متعالی تبلیغ، در گرو داشتن تقوا و نداشتن طمع است.  - با توجه به این که منشور حرکت کشور، سند چشم انداز بیست ساله نظام است و از سوی دیگر، نقش مهم روحانیت در تحقق این سند انکار ناپذیر است، وظایف متقابل نظام و روحانیت نسبت به هم چیست؟  روحانیت و نظام به منزله دو بال یک پرنده هستند که لازمه پرواز و اوج گیری این پرنده مستلزم وجود دو بال سالم و هماهنگ است، همانطور که در طول این 30 سال روحانیت و نظام دوشادوش هم حرکت کرده اند، باید ادامه مسیر را نیز به همین کیفیت طی نمایند، اشکالات و ضعف های همدیگر را برای هم گوشزد نمایند و برای رفع آنها تلاش کنند.  **- حضرتعالی چه توصیه ایی برای ارتقای سطح کیفی هفته نامه افق حوزه دارید؟**  معروف است که گفته اند ای کاش آدمی دوبار به دنیا بیاید، بار نخست که زندگی می کند و تجربیات فراوان به دست می آورد، سپس در تولد و حیات دوم از تجربیات خود در بهتر زندگی نمودن، استفاده کامل ببرد. حال که چنین امری امکان پذیر نیست، استفاده از تجارب بزرگان، به نوعی تولد و حیات دوباره است و به دست اندرکاران هفته نامه افق این توصیه را می کنم، سعی کنید تجارب علما و فضلای گذشته و حال را در اختیار مخاطبان خود قرار دهید. | |